



ظهور داعش و نقش آمریکا و تأثیرات آن بر معادلات منطقه‌ای

نجله خندق^۱

چکیده

پدیده داعش نه فقط برای غرب آسیا بلکه برای تمام جهان، تهدیدی جدی است. تشکیل چنین نیرویی در هر حوزه جغرافیایی ناشی از ضعف در نظام کنترل حکومت است و تضعیف قدرت متمرکز در عراق و به دنبال آن در سوریه زمینه‌ساز به وجود آمدن این پدیده گردید که به دنبال آن ائتلاف ناقص و متعارض بازیگران سیاسی ضد داعش، باعث بقا و توسعه آن گردید. اگر بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باهم متحد می‌شدند و استراتژی یکسان برای از بین بردن داعش در پیش می‌گرفتند، می‌توانستند خطر داعش را ریشه کن کنند، اما تکروری بازیگران با استراتژی متناقض باعث ایجاد فرصت برای رشد داعش و بروز مشکلات عدیده در سطح بین‌المللی شد که، فاجعه مرگباری را در سطح وسیع جغرافیایی بنیان نهاد و منابع انسانی و مالی عظیمی را به نابودی کشید که اثرات آن در ابعاد مختلف بررسی ژرفی را می‌طلبد. چارچوب نظری پژوهش، «کارکردگرایی»، روش پژوهش «تحلیل کیفی» و ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. سوال اصلی این است که مهم‌ترین عوامل اصلی و بازیگران زمینه‌ساز بحران‌های منطقه چه بوده‌اند؟ هدف این مقاله بررسی و تبیین عوامل موثر در شکل‌گیری داعش، بحران‌های سیاسی منطقه، بین‌المللی شدن این بحران و دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌باشد، نتایج نشان می‌دهد آمریکا در تشکیل تروریسم در غرب آسیا در جهت تحقق اهداف خود به دنبال تشدید اختلافات قومی مذهبی است و همچنین می‌توان ادعا کرد که آمریکا طراح و پدید آورنده داعش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، داعش، عراق، سوریه، افغانستان

مقدمه

داعش^۱ پدیده‌ای است که در عراق متولد شد و در سوریه به بلوغ زودرس رسید و هم‌اکنون با توجه به تضعیف موقعیت آن در سوریه و عراق به دنبال پایگاه‌هایی در دیگر مناطق جهان اسلام است و کشورهای دارای دولت‌های ضعیف نظیر افغانستان، لیبی و سودان مقصد مناسبی برای آنها می‌باشد. (رضایی، ۱۵۳، ۱۳۹۶-۱۸۹)

امروزه یکی از عمده‌ترین مسائل که صلح و امنیت بین‌المللی^۲ را تهدید می‌کند، مسئله تروریسم است. برخی از گروه‌های افراطی برای دسترسی به اهداف خود از ابزار تروریسم استفاده می‌کنند؛ تروریسم به مثابه گونه‌ای از خشونت سیاسی می‌باشد که شکل اخیر تکفیری آن در پی خیزش‌های اسلامی در جهان عرب به وجود آمده است که در واقع، در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری خشن تر ظاهر شده است. گروه تروریستی داعش محصول اندیشه‌های تکفیری^۳ است که در پی منازعات فرقه‌ای هدایت‌شده توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای^۴ شکل گرفته است و بخش مهمی از معادلات امنیتی در جهان در صحنه‌ی رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. داعش به‌عنوان گروهی تندرو، معمولاً به نحوه پیدایش، علل و عوامل ظهور و سقوط و مرکز قدرت و نواحی گسترش آن، باید مورد بررسی قرار گیرد. تا نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نقش استراتژیک آمریکا که به نظر نویسنده پدید آورنده این جنبش است، روشن و مشخص شود.

آنچه مسلم است ارتباط گروه‌های تندرو با شرایط سخت و بی‌امان زندگی سیاسی پدیدآورندگان این حرکت‌های سیاسی است. به عبارت دیگر پدیدآورندگان گروه‌های تندرو سیاسی در جستجوی علل و عوامل بروز نابرابری، ظلم و شکنجه و تهدیداتی که در طول جنگ نصیب آنها گردیده است، به دنبال کشف راه‌حل می‌گردند. زمانی که به راه‌حلی مناسب دست می‌یابند با تمام توان برای راه‌حل مکشوفه خویش به پا می‌خیزند، اما شیوه اقدامات گروه‌های تندرو بسته به محل وقوع آنها و عوامل جغرافیایی محلی که خیزش در آن اتفاق می‌افتد، فرق می‌کند. وقتی طالبان، داعش یا هر گروه تندرو دیگری ظهور می‌یابند، اولین ضرورت ادامه حیات

1. ISIS: Islamic state of Iraq and Al-Sham

2. Peace and international security

3. Takfiri thoughts

4. Regional and trans-regional actors

آنها تامین مالی این گروه‌هاست. (محمدی، غنچی، ۱۳۸۵؛ ۹۰-۱۲۱) با پیدایش طالبان کشت مواد مخدر در افغانستان سیر صعودی پیدا کرد (اسکندری، ۱۳۹۵)، اما داعش با کنترل چاه‌های نفتی و فروش نفت سعی در تامین نیازهای مالی خود کرد. گروه تندروی داعش برای اعمال قدرت، ایجاد تشکیلات، تشکیل گروه‌های نظامی و دستیابی به منشأ تمام‌نشدنی انواع سلاح‌ها و سوخت نیازمند پشتیبانی همه‌جانبه است تا قدرت عملیاتی قابل قبول، نظم یافته و توان جنگندگی و مقاومت داشته باشد و این امر توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا تامین شد.

سازمان‌دهی گروه‌های چریکی، پارتیزانی^۱ و جنگ‌های منظم که از طریق یگان‌های نظامی و از نظام‌یافتگی خاصی به وجود می‌آید، نیازمند تخصص‌هایی است که در مدت‌زمان کوتاهی امکان‌پذیر نیست. تا اگر فقط به لحاظ تجربه جنگی افراد شرکت‌کننده در جنگ چنین سازمان‌دهی‌هایی شکل بگیرد و در قالب داعش به آن فتوحات سریع دست یابد به منزله آن است که فرماندهان داعش از نوعی وراثی فرماندهی ارتش‌های جهان برخوردار می‌باشند یا متخصصین نظامی بی‌شمار آمریکایی، در همان اوایل پیدایش داعش دست به سازمان‌دهی آن زده‌اند. (توکلی، ۱۳۹۳، ۱۵۱-۱۹۵)

اگر فرماندهی و سازمان‌دهی داعش بدون دخالت متخصصین بیگانه در مدت کم شکل گرفته باشد باید در کارآمدی دوره‌های تخصصی نظامی که همه کشورها برای فرماندهان و سران نظامی خود تشکیل می‌دهند، تردید کرد. با توجه به آنکه داعش در مسیر دستیابی به فتوحات خود و مقابله با ماشین عظیم انسانی و نظامی کشورها، بسیار موفق عمل کرد و با شیوه جنگ‌های تدوین شده رعدآسا توان نظامی خود را به اثبات رسانید، شکی باقی نمی‌گذارد که از مدت‌ها قبل، از حمایت متخصصین علوم نظامی بیگانه به ویژه آمریکا پشتیبانی و بهره‌مند بوده است. (Smit, 2017: 9-15) از آنجاکه تشکیل نیروی نظامی آماتور بر مبنای تجربیات شخصی این افراد غیرممکن است بنابراین تنها پاسخ به‌جامانده برای توجیه پیدایش داعش، توان بی‌نظیر لجستیکی^۲، سازمان‌دهی نظامی، دسترسی به تسلیحات سبک و سنگین روزآمد نظامی، نقشه‌های کاربردی نتیجه دخالت، کمک‌های مالی و خدمات نظامی آمریکا برای تشکیل داعش بوده است.

1. partisan

2. Excellent logistic capability

تشریح خطوط دفاع برون‌مرزی که توسط دولت‌های همسایه در قلب خاک کشور جنگ‌زده برای دفاع از کشورشان در صورت گسترش جنگ تدوین می‌شود و تعریفی که دول خارجی مداخله‌گر فرا منطقه‌ای در جنگ‌ها از منافع ملی خود ارائه می‌نمایند، توجیه‌کننده منطق حضور و نفوذ دولت‌ها در خاک کشور جنگ‌زده است. نگاهی به تجربه‌های گذشته جنگ‌های منطقه‌ای در غرب آسیا یا در قاره‌های دیگر تبیین‌کننده علل نفوذ کشورهای همسایه یا دول خارجی فرا منطقه‌ای در خاک کشورهای جنگ‌زده است؛ زیرا غفلت هر یک از آن‌ها از حضور و ارتباط با دولت کشور در حال جنگ یا نادیده گرفتن دخالت سایر دولت‌ها، باعث عدم تامین امنیت مرزنیسان یا حتی ورود جنگ در خاک کشور همسایه را به دنبال داشته است و یا دست دولت‌هایی که مداخله نکرده‌اند را از مواهب اقتصادی عظیم دوران شکل‌گیری و ثبات اقتصادی کشور جنگ‌زده کوتاه کرده است.

هدف از این مقاله این است که آمریکا به دلیل رسیدن به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود در منطقه غرب آسیا با استفاد از اختلافات قومی- مذهبی، نوعی ناامنی در منطقه ایجاد کرد و با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دامنه‌ی بحران غرب آسیا را افزایش داده و به تناسب آن شرایط ژئوپولتیکی منطقه را دگرگون کرد. افزایش درگیری‌های فرقه‌ای به خصوص شیعه- سنی از پیامدهای اولیه بحران است

که باعث پیدایش داعش شده است. غرب آسیا همواره با چالش، درگیری و بحران روبرو بوده است و این منطقه حساس و استراتژیک دارای منابع عظیم انرژی، هیچگاه روی آرامش به خود ندیده است و بحران فقط از حالتی به حالت دیگر تغییر کرده است.

دلیل اصلی نگارش مقاله این است که پژوهش‌های گذشته جامع نبوده و نقش آمریکا را با پدیده داعش به طور واضح بیان نکرده‌اند و سعی کردند تا عوامل دیگر رشد داعش را، در منطقه پررنگ‌تر بیان کنند این تحقیق سعی در بررسی دقیق‌تندروی گروه داعش، دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، کمک‌های مالی، نظامی و لجستیکی آمریکا که توسط دست‌نشانده‌های خود در منطقه انجام داده است را دارد.

مبانی نظری پژوهش

گروهک داعش و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

پدیده داعش یا آنچه که به‌عنوان «خلافت اسلامی» یا «حکومت اسلامی» معرفی می‌شود، درست در بخش مرکزی غرب آسیا قرار دارد که قسمتی از کشور عراق را در بر گرفته است. بر اثر حمله آمریکا به عراق این منطقه دچار فروپاشی نظام قدرت یا سازه قدرت^۱ شد و فضای مذکور از قدرت تخلیه شد، بنابراین منطقه دچار خلأ قدرت شد. مداخله نظامی و سیاسی گسترده آمریکا و غرب در منطقه غرب آسیا به‌خصوص عراق به ایجاد ناامنی به‌صورت گسترده از تونس گرفته تا افغانستان دامن زد. تمام این مناطق با ایده سلطه جویانه دچار آشوب گردیدند. آمریکائیان مسئول این حوادث هستند، سندی مبنی بر شکل‌گیری داعش توسط آمریکائیان در دست نیست ولی عملکرد آمریکائیان باعث پیدایش پدیده‌ای به نام داعش شده است (حافظ نیا، ۱۳۹۴). یکی از عوامل مهم پیدایش داعش حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ می‌باشد و خروج آمریکا و ناتو از عراق منطقه را با یک خلأ قدرت سیاسی و امنیتی روبرو کرد و آماده‌ترین جایگزین برای این خلأ قدرت گروه‌های افراطی و بنیادگرای مذهبی نظیر داعش بود. خلأ قدرت مرکزی و چالش‌های امنیتی و قدرت‌های خارجی از عوامل مهم پیدایش داعش بوده است. ظهور داعش یک تهدید جدی نه‌تنها برای عراق، سوریه و کشورهای همسایه شده است، بلکه غرب آسیا و سایر کشورهای جهان را نیز تهدید می‌کند. افزایش تهدیدات تروریستی داعش باعث شده تا کشورهای اروپایی احساس خطر کرده اقدامات جدی برای مقابله با این تهدید را مدنظر قرار دهند. تشکیل مرکز جدید مقابله با تروریسم در هلند از آن جمله می‌باشد.

بر این اساس بازیگران سیاسی در منطقه از سویی خواهان تغییرات در وضعیت امنیتی منطقه هستند و از سوی دیگر، به جهت حفظ و تثبیت موجودیت خود در نقاط مختلف قصد دارند با ایجاد شرایط بحرانی در دیگر مناطق از طریق ائتلاف و همکاری با دیگر بازیگران دولتی یا غیردولتی، تداوم امنیت خود را حفظ نمایند و درفضاهای دیگر پیرامونی و غیرپیرامونی به رقابت بپردازند. دوره گذار ژئوپولیتیکی درمقیاس جهانی که از سال ۱۹۹۰ م شروع شد و تاکنون ادامه دارد. در این فضای جغرافیایی، جهان فاقد

1. Power system or power structure

یک سازه قدرت یکپارچه است. در سال ۱۹۹۷م سیستم ژئوپلیتیک دو قطبی^۱ فروپاشید، در نتیجه بخشی از فضای کره زمین دچار خلأ قدرت شد. رقابت شدید آغاز شد، بازیگران در صدد پر کردن خلأهای سیاسی بودند. اندیشه نظم نوین جهانی^۲ شکل گرفت. آمریکا که فکرمی کرد نظام تک قطبی را بلافاصله می‌تواند جایگزین نظام دو قطبی کند، موفق به این امر نشد. قدرت‌های درجه دوم «چه تک قدرتی، چه دو قدرتی و چه چند قدرتی» وارد عرصه بین‌المللی شدند (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ۱۴۲). امروزه جهان در شرایط خاص رقابت از جهات مختلف برای استقرار نظام ژئوپلیتیک به سر می‌برد. از این رونوعی بی‌نظمی و فقدان مدیریت و کنترل منسجم فرآیندها و تحولات جهانی مشاهده می‌شود که شاخص‌های اصلی آن:

- ۱- تضعیف موقعیت سازمان ملل متحد در سطح جهانی
 - ۲- تک‌روی‌های آمریکا؛
 - ۳- ائتلاف‌های ناپایدار بین قدرت‌های مختلف؛
 - ۴- گسترش ناامنی و تروریسم بین‌المللی،
 - ۵- محلی‌گرایی و هویت‌گرایی^۳؛
 - ۶- رقابت جهانی‌سازی بین بازیگران عمده‌ی سیاسی و رسانه‌ای؛
 - ۷- گسترش منطقه‌گرایی؛
 - ۸- تجاوز و اشغال نظامی خودکامه سایر کشورها، می‌باشند. (حافظ نیا، ۱۳۹۴).
- هر چند پارادایم‌های حاکم بر منطقه قبل و بعد از جنگ سرد دچار تغییرات بنیادی شده است، اما وجه مشترک هر دو دوره، برجستگی نقش مداخله‌گران است. وجه تاریخی حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه از جمله آمریکا، کشورهای اروپایی و روسیه گرچه برجسته است، اما یکی از وجوه بارز تغییرات، نقشی است که ترکیه در خلال سال‌های اخیر در غرب آسیا شروع کرده است. ترکیه در چند سال اخیر با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به دنبال ایقاعی نقش مهم تری در مناسبات منطقه ای است. توجه به غرب آسیای جدید و فرهنگ جدید حاکم بر آن و درک شرایط منطقه از سیاست‌های خارجی اردوغان می‌باشد، در این راستا

1. Bipolar geopolitics system
2. The Thought of the New World Order
3. Localism and Identity

فعالیت های خود را در چارچوب دیپلماسی عمومی آغاز کرد. به همین دلیل تا به حال با جهت گیری های مناسب توانسته نقش مثبت و تاثیر گذاری ایفا کند و خود را به عنوان نماینده جهان اسلام و ارایه تصویر دموکراتیک از دین اسلام معرفی کند. محور اصلی موضع گیری های ترکیه در تحولات غرب آسیا و ناآرامی های سوریه بر اساس منافع ملی ترکیه استوار است. ترکیه با تداوم شدت بحران در سوریه موضع خود را از سیاست میانجی گری به حمایت از داعش تغییر داد. ترکیه از تروریسم به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کند.

روابط آمریکا و کشورهای منطقه غرب آسیا از جمله کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر در قالب تعامل و ائتلاف های استراتژیک^۱ در راستای امنیت همواره مستحکم و پایدار بود، آمریکا از کشورهای غرب آسیا خواستار نفت در مقابل ایجاد امنیت در این کشورها بود، اما این روابط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر دچار دگرگونی شد. (زارعان، ۶۷، ۱۳۹۳، ۹۶-۹۷) تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر دیدگاه بدبینانه نسبت به غرب آسیا را تأیید میکند، آمریکا به دلیل ترس از دست دادن متحدان منطقه ای و شکل گیری مقاومت و استقلال به دلیل انقلاب های عربی سبب شد که این کشور به جای حضور مستقیم و فعال به صورت غیرمستقیم از طریق جنگ های نیابتی در سوریه، یمن و عراق به دنبال تأمین منافع خود و ادامه حضورش در غرب آسیا باشد و این خود دلیل بی ثباتی منطقه غرب آسیا می باشد.

نقش استراتژیک غرب آسیا در سیاست جهانی

خلیج فارس منطقه ای است در غرب آسیا که از نظر ژئوپلیتیکی و ذخایر نفتی حائز اهمیت می باشد و به دلیل ویژگی های منحصر به خود در طول تاریخ مورد توجه قدرت های جهانی قرار گرفته است. امنیت جهانی با امنیت غرب آسیا پیوند چشمگیری دارد. بویژه امنیت اقتصادی کشورهای صنعتی بسته به تداوم صدور نفت خام از این منطقه است که برای این کشورها حیاتی و بسیار مهم می باشد بنابراین امنیت خلیج فارس به قدری حائز اهمیت است که هر یک از سران کشورهای اروپایی و تحلیلگران اقتصادی نظرات استراتژیکی خاصی در این رابطه ارائه می دهند. امنیت در غرب آسیا، نوعی امنیت با محوریت کشورهای مداخله گر و غربی است که هر کدام منافع خود را در منطقه دنبال می کنند، اما با وجود این حضور، شاهد ائتلاف هایی نیز در

1. Strategic coalitions

منطقه هستیم. (Khani, 2017, 280-293) یکی از این ائتلاف‌ها **ایران**، **سوریه** و حزب‌الله است. نتیجه این ائتلاف موجب شده تا **ایران** در الگوهای امنیتی خود، به نظریه دکترین نامتقارن^۱ تکیه کند و سعی کند تا برای خود عمق استراتژیک هویتی و عقیدتی ایجاد کند. سقوط **سوریه** محور مقاومت در لبنان و حماس را به شدت تضعیف می‌کند. لذا ایران معتقد است که اگر قرار است بنیادهای این دکترین به خطر بیافتد، منافع این کشور ایجاب می‌کند که تا حد امکان از حامی یا شریک استراتژیک خود در غرب آسیا دفاع کند. (کوزه‌گر خالقی، ۱۳۸۱)

غرب آسیا از جمله مناطق مناقشه‌آمیز جهان است که با توجه به ساختار ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود همواره مورد توجه بازیگران فرا منطقه‌ای بوده است و این بازیگران با توجه به منافع خود همواره در حال نقش‌آفرینی در این منطقه پرتنش جهان بوده‌اند. جدای از عوامل تحمیل شده از طرف نیروهای خارجی، کشورهای این منطقه نیز دارای اختلاف‌هایی بین خود بوده‌اند (صالحی، مرادی نیاز، ۱۳۹۵؛ ۸۵-۱۱۰) این تحولات، موجی از بی‌ثباتی، هرج و مرج و ناآرامی را در کشورهای منطقه به همراه داشته است. هم‌اکنون غرب آسیا به منطقه قدرتمند تبدیل شده است و غرب برای تسلط بر این منبع قدرت به شیوه خاص خود ایجاد بحران کرده است. (حیدری، پیشگاهی فرد، عزتی، ۱۳۹۶؛ ۲۶۱-۲۷۹) جنگ داعش جنگی نیابتی بود. غرب و آمریکا به جای اینکه خود را در منطقه درگیر کنند و «مانند جنگ در عراق و افغانستان» متحمل خسارات جانی و مالی شوند، از افراد منطقه برای ایجاد ناامنی استفاده کرده و گروهک‌های تروریستی‌ای مختلفی را در منطقه ایجاد کردند که آخرین آن داعش بود. دلیل ایجاد گروه تروریستی داعش توسط آمریکا در منطقه، انقلاب اسلامی و ظهور اسلام سیاسی، سقوط حکومت دست‌نشانده آمریکا (حکومت محمدرضا شاه)، شعار ضد امپریالیستی حکومت ایران و خطر توسعه انقلاب ایران به دیگر کشورهای غرب آسیا باعث نگرانی ایالت متحده شده بود. آمریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا در جهت تحقق اهداف خود به دنبال درگیر کردن مسلمانان و کشورهای اسلامی با تشدید اختلافات قومی- مذهبی بود.

آمریکا از مقوله تروریسم برای تامین منافع ملی خود از یک سو و مهار انقلاب اسلامی از سوی دیگر بهره‌برداری لازم را به عمل می‌آورد (روحانی، باقری، سادات طوسی، ۱۳۹۶، ۱۷۹-)

1. Asymmetric doctrine theory

۲۰۰۷) پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بوش پسر با تقسیم بندی جهان به دو بخش حامی تروریسم و طرفدار آمریکا تروریسم را با منطقه غرب آسیا مرتبط دانست و چنان وانمود کرد که جهان اسلام در قالب تروریسم به جنگ با آمریکا آمده بدین ترتیب با بهانه تروریسم در منطقه نفوذ و دخالت کرد بنابراین حضور آمریکا در عراق و افغانستان در قالب الگوی مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم صورت گرفت. مردم این کشورها از یک طرف در معرض هدف نظامیان آمریکایی بودند و از طرف دیگر هدف گروههای تروریستی و تکفیری و... نیز قرار گرفتند. در واقع اقدامات آمریکا در عراق و افغانستان در سال های گذشته موجب تحکیم پایه های جریان های افراطی و تروریستی شد.

داعش به سرعت توانست در عراق پیشرفت کند و مناطق بسیاری از این کشور را اشغال کند، دلیل اصلی پیشرفت داعش در عراق ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت در اقصی نقاط کشور و کم توجهی دولت شیعی عراق به اهل سنت باعث تشدید نارضایتی ها و اعتراضات عمومی در عملکرد دولت شد. گروه داعش در چنین فضایی مملو از تنش، بحران و بی ثباتی در عراق شکل گرفت. انحلال ارتش عراق بعد از اشغال این کشور توسط آمریکا و تلاش برای دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی فضا را برای سازمان دهی جریان های افراطی در عراق از جمله «داعش» فراهم کرد. داعش توانست با استفاده از ضعف نظام های فاسد در برخی از کشورهای عربی و تشدید خشونت های فرقه ای - مذهبی رشد چشم گیری داشته باشد که این امر خود باعث سوء استفاده کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای شد. (اکبری، ۱۳۹۵، ۱-۲۶)

جابجایی قدرت در عراق باعث شد که کشور عراق بعد از صدام کنترل خود را در بعضی از نقاط این کشور از دست بدهد. دولت عراق حاکمیت کامل بر فضای جغرافیایی خود را نداشت. بخش غربی و شمال غربی، شهرهای فلوجه، الرمادی و شهر بسیار مهم موصل در اختیار نیروهای داعش قرار گرفت. این فضا در کنترل بازیگری است که دقیقاً در برابر دولت حاکم رسمی عراق قرار داشت و موجب هرج و مرج و اغتشاش در منطقه بالأخص مصر، لیبی، سوریه، عراق و... شد. ظهور داعش در منطقه غرب آسیا و در سرزمین های هم جوار ایران و حمایت بعضی از کشورهای منطقه و قدرت های فرامنطقه ای از این جریان، چالش ها و تغییرهایی عمیق را در معادلات منطقه ای ایجاد کرد.

داعش گروهی برآمده از القاعده با خط مشی سلفی - تکفیری می باشد. بر اساس مدعیات رهبران این جنبش به دنبال احیای خلافت است، صف بندی شیعه - سنی مهمترین رکن فکری داعش است. انگیزه آنها برای انتقام و رویارویی با این عنوان به پیش می رود. این رویکرد با تضادهایی که با منافع ایران و شیعیان دارد، جغرافی سیاسی شیعیان و جمهوری اسلامی ایران را با چالش جدید سیاسی - امنیتی در غرب آسیا ممکن بود مواجه کند که با هوشیاری محور مقاومت این تهدید دفع شد. منافع آمریکا به لحاظ ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچرال و ژئواکونومیک^۱ نشان می دهد که آمریکا آن چنان به منطقه علاقه دارد که بخواهد فعالانه موضوع سوریه را تعقیب کند؛ اما از نظر آمریکا دستیابی به منابع انرژی و تضمین موقعیت اسرائیل از همه مهم تر است.

نفت و منافع آمریکا در منطقه

کارشناسان مسائل نفتی عقیده دارند که عراق از ذخایر نفتی عظیمی بهره مند است و آمریکا به شدت نیاز به واردات نفت از کشورهای نفت خیز به خصوص کشورهای غرب آسیا دارد. منابع نفتی عراق، توانایی پاسخ گویی به واردات نفت آمریکا را برای حدود یک قرن دارد. باید گفت که منافع آمریکا در غرب آسیا از منظر امنیتی نیز اهمیت دارد، دغدغه ها و رسالت هایی که این کشور نسبت به اسرائیل دارد و علقه های ژئواستراتژیک آمریکا نسبت به غرب آسیا که از لحاظ نظری اشتیاق ایالات متحده را نسبت به منطقه بیشتر می کند، حائز اهمیت است. روابط اسرائیل - آمریکا عامل مهمی در سیاست کلی دولت ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا است و برای آمریکا منافع و امنیت اسرائیل بسیار مهم می باشد. (قیاسوندی، ترکاشوند، ۱۳۹۶، ۱۶۷-۲۰۵) و دلیل اصلی آن اینست که اسرائیل تنها کشور خارجی است که با مصونیت کامل می تواند در روندهای سیاسی ایالات متحده مداخله کند. به علاوه اسرائیل یگانه و مهم ترین تهدیدی است که متوجه امنیت ملی واقعی آمریکا می باشد، چرا که این کشور و لابی داخلی قدرتمندش، مدافعان بزرگ تداوم حاکمیت جنگی مداخله گرایانه آمریکا هستند.

یکی از دلایل مهم حمله آمریکا به عراق مسئله نفت در عراق بود، با توجه به هزینه حضور ایالات متحده آمریکا در عراق که از مرز بیش از یک تریلیون دلار گذشته است. (سهرابی،

1. Geostrategic, geopolitic, geocultural, geoekonomi

۲۷، ۱۳۹۶-۵۵) تسلط ایالت متحده بر عراق و دستیابی به قراردادهای حتی بلندمدت معدنی، نفتی و گازی، عراق را فاقد توجیه اقتصادی و دخالت آمریکا در این منطقه از جهان را فقط برای نفوذ در یک کشور آن‌هم عراق فاقد وجاهت بین‌المللی است. مجموعه عوامل فوق در کنار الزام آمریکا به روی آوری به جنگ و اقتصاد جنگی که جزء لاینفک اقتصاد آزاد با مدل آمریکایی برای دوری از آسیب دوره‌های رکود اقتصادی است، امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر هدف آمریکا محدود به خاک عراق و منافع حاصل از تسلط اقتصادی بر این کشور باشد، عملاً امری خطا از دیدگاه آمریکایی حتی بر اساس طرح توجیهی جنگ محسوب شود و از لحاظ نظری ادامه موفقیت‌آمیز حضور ایالات متحده در رأس هرم معادلات استراتژیکی که یک‌طرف آن اقتصاد است مستلزم انتشار جنگ در ورای مرزهای عراق است، در نتیجه از آنجا که عملاً ورود مستقیم ایالات متحده به جنگ، منوط به شرط اغنای افکار عمومی در آمریکا و در واقع مالیات‌دهندگان آمریکایی و شرط توافق شورای امنیت سازمان ملل متحد است و این دو شرط در صورتی تحقق‌پذیر است که بحران در ابعاد عظیم عامل اجباری برای کشیده شدن آمریکا به قلب بحران و جنگ تلقی گردد، نهایتاً یک نیروی سوم و بحران‌ساز است که می‌تواند از پس برآورده کردن این دو شرط برآید.

فرقه‌گرایی و تشدید اختلافات مذهبی جزء لاینفک در تحولات غرب آسیا می‌باشد. پدیدار شدن دولت‌های ضعیف در منطقه غرب آسیا و ظهور گروه‌ها تروریستی مانند داعش، القاعده، طالبان و... در کنار تغییر در رفتار و کنش‌گری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نظم سیاسی و امنیتی حاکم بر غرب آسیا را متحول کرده است و زمینه را برای ایجاد نظم جدید فراهم کرده است.

اگر اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر را بررسی کنیم، خواهیم دید که این امری از پیش تعیین شده بود تا حکومت بوش پسر بتواند به مقاصد خویش برسد، (روحانی، باقری، طوسی، ۱۳۹۶؛ ۱۷۹-۲۰۷) پس بدین ترتیب می‌توان پی برد که آمریکا برای مقاصدی به غرب آسیا سرازیر شده است که بعدها با عنوان پروژه غرب آسیا بزرگ مطرح گردید که در سال ۲۰۰۵ کاترولیزا رایس آن را به غرب آسیا جدید تغییر نام داد. این طرح جدید برای دستیابی به نفت و گاز غرب آسیا است زیرا ۷۵٪ کل انرژی جهان در غرب آسیا می‌باشد. (معین‌الدینی، ۱۳۸۶؛ ۶۱-۷۸)

غرب آسیا تقاطع جهان است برای ایجاد عدم تعادل در این منطقه به گروهی مثل داعش نیاز بود که از طریق آن تنش‌های لازم را در منطقه ایجاد کنند. هدف داعش محوری به نام تهران

دمشق بیروت بود. این مثلث با این سه ضلع سدی بود برای رژیم صهیونیستی و آمریکا، داعش به عنوان سد شکن دسترسی دائم‌العمر به منابع گازی و نفتی در منطقه پیدا می‌کرد، اما این سه ضلع مثلث در مقابل داعش ایستادگی کرد و مانع اقدامات مخرب غرب و آمریکا در منطقه شد.

بازیگران منطقه‌ای افزایش قدرت محور مقاومت را به عنوان تهدیدی مستقیم علیه خود قلمداد می‌کردند و بازیگران بین‌المللی نظیر آمریکا، ایران و محور مقاومت را بزرگ‌ترین مانع پیش رو در اجرای سیاست‌های غرب آسیایی خود می‌دانستند. تسلط بر غرب آسیا و امنیت اسرائیل از اهداف مهم آمریکا در منطقه می‌باشد، بنابراین غرب به رهبری آمریکا مدیریت تحولات منطقه را به دست گرفت و با استفاده از ترکیه، عربستان و قطر از ظرفیت گروه‌های افراطی - تکفیری علیه محور مقاومت بهره برداری کرد. آمریکا، کشورهای مخالف محور مقاومت و گروه‌های تکفیری، علیه محور مقاومت هدفی مشترک داشتند.

آمریکا به دنبال تضعیف جبهه مقاومت به نفع رژیم صهیونیستی است، عربستان به دنبال گسترش نقش آفرینی و جلوگیری از نفوذ ایران در غرب آسیا و ترکیه اعاده گذشته تاریخی خود را دنبال می‌کند. بنابراین جلوگیری از گسترش قلمرو ژئوپولیتیکی ایران، فصل مشترک انگیزه‌های بازیگران فوق می‌باشد. (رضا زاده، نجفی، ۱۳۹۵، ۱۴۵-۱۹۰)

هدف از ایجاد داعش پیاده‌سازی سناریوهایی در منطقه توسط صهیونیست‌ها با همکاری آمریکایی‌ها به شکل محور عربی - غربی - عبری و ورود عربستان سعودی به عنوان یک پیمانکار منطقه‌ای برای ایجاد جنگ‌های نیابتی بود. این سناریوها عمدتاً سه محور را دنبال می‌کردند که اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی می‌باشد. (ساسانیان، حاجیانی، ۱۳۹۶؛ ۴۵-۷۵)

از اهداف مهم داعش ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی و تضعیف مقاومت بود تا صهیونیست‌ها بتوانند به راحتی اقدامات خود را انجام دهند و ایران را به عنوان محور اصلی مقاومت در مرزهای خود محبوس کنند زیرا انقلاب اسلامی ایران و اقدامات آنها باعث شده بود که کشورهای اسلامی متحد شده و به مقابله با رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین رکن‌های تشکیل دهنده داعش، پردازند.

هدف دیگر داعش سیطره بر سرزمین ایران و از بین بردن شیعیان بود و این یکی از دلایل اصلی آمریکا برای ایجاد گروه تروریستی داعش در منطقه غرب آسیا بود چون آمریکا پس از

حمله به عراق و افغانستان موجب تضعیف قدرت خود در این دو کشور و افزایش قدرت ایران در منطقه شد همچنین ترکیه و عربستان از روندی که موجب ظهور «هلال شیعی»^۱ می‌شود، رضایت نداشتند و به شدت نگران توازن قوای منطقه‌ای و امنیتی خود بودند؛ بنابراین کشورهای غربی برای رسیدن به اهداف خود درصدد بی‌نظمی در منطقه غرب آسیا، تجزیه منطقه، جنگ‌های داخلی در منطقه و ایجاد غرب آسیای جدید^۲ بودند. هدف تمام این اقدامات آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی به وسیله داعش، به نوعی از بین بردن تفکر مقاومت و تفکر انقلابی ایران بود که با اقدام به موقع جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شد. (مجیدی، ۳۵، ۱۳۹۱-۵۴)

رویکرد برخی از بازیگران منطقه‌ای همانند عربستان سعودی در قبال تحولات سوریه به نوعی راهبرد تهاجمی داشته است. عربستان خواهان روی کار آمدن رژیم طرفدار خود در سوریه بود. این موجب تضعیف نفوذ ایران در سوریه و لبنان و گسترش حوزه نفوذ عربستان در کانون محور مقاومت و در نهایت، تغییر موازنه قوا در منطقه می‌شد. علاء رقم مبارزه ظاهری عربستان بر علیه تروریسم، سعودی‌ها تروریست‌ها را از نظر مالی، سیاسی، رسانه‌ای و ایدئولوژی مذهبی حمایت کرده و می‌کنند. (نساج، نظری، پور رنجبر، ۱۳۹۴؛ ۳۷-۵۵) عربستان با وجود نقض شدید حقوق بشر در دنیای ناقص حقوق بشر در سازمان ملل شناخته نشد، علت اصلی آن این بود که عربستان دست‌نشانده غرب به ویژه آمریکایی‌ها باشد و اهداف آمریکا را در منطقه دنبال می‌کند. پیمانی که در زمان روزولت مابین ریاض و واشنگتن به عنوان «نفت در برابر امنیت» منعقد شده بود، گویای این سیاست است. آمریکا از طریق عربستان به شیوه‌های مختلف سالیانه ۳۶ میلیارد دلار به داعش می‌پرداخت (ناوشکی، احمدیان، ۴۳، ۱۳۹۴-۶۷) بنابراین می‌توان گفت آمریکا از طریق دست‌نشانده‌های خود در منطقه در ایجاد و حمایت گروه‌های تروریستی نظیر داعش نقش مهمی داشت.

از مهم‌ترین عوامل ظهور داعش بستر تفکر سلفی در کشورهای عرب به واسطه جهل فرهنگی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. گروه داعش سومین گروه تروریستی در جهان اسلام می‌باشد. گروه تروریستی داعش که در واقع یک گروه نظامی و نمایی است، برای تحقق اهداف وسیع غرب به ویژه آمریکا در جهان اسلام می‌باشد (کسرایی، داوری مقدم، ۱۳۹۴؛ ۱۹۱-)

1. Shiite crescent

2. Creating a New Middle East

(۲۱۶) از سیاست‌های مهم آمریکا و غرب ایجاد تفرقه در بین اقوام و مذاهبی همچون شیعه و سنی در غرب آسیا بود. یکی از جدی‌ترین شیوه‌های ایجاد تفرقه، تشکیل گروهک‌هایی تروریستی مانند «طالبان-القاعده و داعش» در منطقه می‌باشد. (علی پور، حیدری، فعلی، ۱۳۹۳، ۱۹۷-۲۲۷) القاعده و طالبان توانستند نوعی مثلث فکری-فلسفی و قومی جدید با محوریت سلفیسم تکفیری دنیای عرب (عرب افغان‌ها)، دیوبندیسم تکفیری شبه قاره هند و پشتون‌نویسم بیگانه ستیز را به وجود آورند که حامی و

مجری اسلام افراط‌گرا است. (مطلبی جونقانی، مرادخانی، ساوه درودی، ۱۳۹۵، ۹-۳۲) در حقیقت آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش، از شکاف‌های قومی-مذهبی حداکثر استفاده را در راستای گسترش فتنه‌انگیزی و تشکیل گروه‌های تروریستی-تکفیری در عراق و سوریه، کرده‌اند. (دارا، خاکی، ۱۳۹۷؛ ۱۹۰-۲۱۹)

چگونگی ظهور داعش

در دهه ۱۹۸۰ میلادی فردی به نام سید قطب جزو گروه اخوان در مصر در منطقه با وهابیان درگیر می‌شود و در جریان این درگیری به زندان می‌افتد. در زندان عقاید وی تغییر می‌کند منطق او از گفتگوبه جنگ می‌رسد به این نتیجه می‌رسد که اگر می‌خواهیم در اسلام پیروزشویم، باید بجنگیم. در آن زمان گروه جهادیان را تشکیل می‌دهد که از درون گروه جهادیان، القاعده به وجود می‌آید و بالاخره از القاعده به داعش می‌رسند.

پس از اشغال عراق توسط آمریکا گروهی به نام «توحید و جهاد» به رهبری «ابومصعب الزرقاوی» که خود را از شاخه القاعده عراق می‌دانست، در سال ۲۰۰۴ م تشکیل شد که با اقدامات تروریستی در عراق به دنبال ایجاد فتنه مذهبی و جنگ داخلی بودند. نکته‌ی مهم این است که آنچه باعث قدرت‌یابی دوباره فعالیت‌های گروه‌های تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق شد بحران سوریه بود. در اواخر سال ۲۰۰۶ م گروه «دولت اسلامی عراق» به ریاست «ابوعمر البغدادی» تشکیل شد. با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۰ (طارمی، ۱۳۹۴، ۱۷۱-۲۱۴)، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و هم‌زمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند. گروه «جبهه النصره لاهل الشام» به رهبری محمد الجولانی

دراواخر سال ۲۰۱۱ و با آغاز بحران و جنگ در سوریه به عنوان شاخه گروه «دولت اسلامی سوریه» تشکیل شد و به سرعت به یکی از گروه‌های مطرح در این عرصه تبدیل شد. در سال ۲۰۱۳ م ابوبکر البغدادی رهبر «دولت اسلامی در عراق» ادغام «جبهه النصره» و «دولت اسلامی در عراق» را اعلام کرد تا بدین ترتیب گروه «دولت اسلامی در عراق و شام» شکل بگیرد که به داعش معروف شد. پس از مدت کوتاهی ابوبکر البغدادی استقلال داعش را اعلام کرد و افزود که دیگر داعش جزو شاخه القاعده نمی‌باشد. داعش با گسترش عملیات خود به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در عراق سوریه تبدیل شد. (کریمی، ۱۳۹۶؛ ۴۵-۸۳) هدف داعش کشور عراق و سوریه تا شرقی‌ترین استان کشور پاکستان بود تا غرب آسیا جدید با فعالیت چند گروه تروریستی نوپا که با ائتلاف چندین گروه تکفیری-وهابی تشکیل شده، در صدر اخبار بین‌المللی قرار گرفته، شکل گیرد تا پدید آورنده گروه تروریستی داعش آمریکا، به اهداف خود در منطقه برسد. (Salahshour, 2015)

نارضایتی اهل سنت، بقایای حزب بعث و گروه‌های رادیکالی سوریه، ترکیب اصلی نیروهای داعش می‌باشند. داعش از تمام کشورهای دنیا با تولیدات رسانه‌ای گسترده نیرو جذب می‌کرد. آن‌ها به ۲۳ زبان دنیا تولیدات رسانه‌ای داشتند. (شارع، ۱۳۹۴) جنگ اطلاعاتی عبارت است از: استفاده از شبکه‌های الکترونیکی برای تخریب یا از کار انداختن و غیر عملیاتی کردن زیر ساخت‌های اطلاعاتی دشمن که هم می‌تواند علیه یک جامعه و هم علیه ارتش یا نیروی نظامی یک کشور به کار گرفته شود. (رستمی، ۱۴۵، ۱۳۹۵-۱۹۰) داعش در زمینه یارگیری از تمام امکانات فضای مجازی سود می‌برد، در شبکه‌های اجتماعی فعال بود، قادر به داد و ستد اطلاعات و جذب نیرو حتی از خاک کشورهای غربی بود. داعش در فعالیت‌های خود رویکردی بین‌المللی داشت و با شعارهای جذاب و فریبنده توانسته بود شبکه‌ای از مسلمانان افراطی را در سراسر جهان ایجاد کند. به هر حال این گروه مانند هر گروه تروریستی دیگر برای ادامه حیات، جلب و جذب نیرو و انجام فعالیت‌های خرابکارانه خود نیازمند حمایت‌های ایدئولوژیک بود تا از طریق آن حمایت مالی، تسلیحاتی و نیروی انسانی را جذب کرده و حفظ کند.

داعش منابع مالی متعددی داشت. علاوه بر کمک‌های اسرائیل، آمریکا و پاره‌ای از کشورهای عربی یکی دیگر از منابع مالی داعش فروش نفت مناطق تحت تصرف آن در سوریه و عراق بود.

گروه تکفیری داعش با قاچاق نفت سرقت شده از سوریه و عراق و انتقال آن به خاک ترکیه و فروش آن در بازار سیاه، درآمد هنگفت و مستقلی را برای خود ایجاد کرده بود. داعش از فروش نفت، غارت اموال، گرفتن مالیات از تجار و قاچاقچیان محلی، گروگان‌گیری، فروش اعضای بدن اسیران و فروش آثار باستانی به درآمدهای بسیار دست‌یافت و این ثروت به داعش کمک کرد تا بتواند سلاح‌های پیشرفته‌ای را از بازار سیاه خریداری کند.

کلیه اقدامات داعش با اطلاع و حمایت آمریکا صورت گرفته بود و از دلایل مهم این ادعا ارسال سلاح‌های آمریکایی برای متحدان این گروه در سوریه، کمک‌های مالی، کمک‌های ایدئولوژی و تاکتیکی و همچنین با فراهم کردن تجهیزات الکترونیکی و نرم‌افزاری، از فعالیت‌های سایبری تروریست‌های داعش حمایت می‌کرد و به گفته ترامپ سیاست او با ما و کلیتون به ایجاد داعش منجر شد. (امینیان، ۱۳۹۶، ۱۹۱-۲۲۲)

داعش برای رسیدن به اهداف خود و اجرای نقشه‌های بلند مدت آمریکا در عراق و سوریه؛ علاوه بر ایجاد جنگ فرسایشی مابین شیعه و سنی^۱، بحران سازی در عراق، سازمان‌دهی نیروها و تشکیل حکومت اسلامی رانیز دنبال می‌کرد. یکی از دلایل حمایت آمریکا از تروریسم در سوریه این است که نقش استراتژیک سوریه که مانع تسلط مطلق غرب بر جهان عرب است و به نوبه خود برای اسرائیل خطر آفرین می‌باشد، از بین برود.

گروه تروریستی داعش علاوه بر حمایت آمریکا از حمایت‌های بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز برخوردار بود. یکی از حامیان منطقه‌ای داعش ترکیه بود با اینکه داعش در ترکیه ایجاد ناامنی می‌کرد، دولت ترکیه از داعش حمایت می‌کرد، بر اساس شواهد و مدارک نفت آنها را نیز خریداری کرده و به رژیم صهیونیستی می‌فروخت (Bugart, 2017, 26-29). نیروهای داعش پس از ورود به ترکیه در پایگاه‌های این کشور آموزش‌های فشرده نظامی را دیده و سپس به سوریه برای جنگ و خونریزی اعزام می‌شدند. گزارش‌های زیادی در زمینه نقش موساد و ارتش رژیم صهیونیستی در آموزش داعش در خاک ترکیه وجود دارد. (رضایی، موسوی، ۱۳۹۶، ۱۴۹-۱۷۴) گروهک داعش به عنوان بزرگترین و ثروتمندترین گروه تروریستی جهان بدون حمایت ترکیه به چنین جایگاهی نمی‌رسید. در واقع یکی از راه‌های مقابله با داعش قطع ارتباط مالی این

1. The erosion war between Shiite And Sunni

گروه تروریستی از مسیر ترکیه بود. گروه تروریستی تکفیری داعش به نوبه خود به اسم «اسلام» اهداف چندگانه‌ای را دنبال می‌کرد و از درون اتاق‌های فکر صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی و آمریکا از یک طرف چهره اسلام را تخریب کرده و از طرف دیگر محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی را نابود می‌کرد.

داعش همچنین از طرف کشورهای فرامنطقه‌ای حمایت می‌شد. شماری از پایگاه‌های آموزشی داعش در اتحادیه اروپا و بالکان نیز وجود داشت که در آنها عناصر داعش می‌آموختند «چگونه بجنگند و زنده بمانند». عناصر داعش در این پایگاه‌ها استفاده بهینه از سلاح و نحوه برخورد با بازجویان پس از بازداشت را نیز فرامی‌گرفتند تا در داخل و خارج از کشورهای خود مبادرت به اقدامات تروریستی کنند. این آموزش‌ها به صورت محرمانه و در پوشش کلاس‌های مختلف انجام می‌گرفت. (Right, 2015)

بدون تردید از دلایل کلیدی رشد جریان‌های تروریستی در عراق و سوریه رami توان در فقدان برنامه مشترک از سوی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی جستجو کرد. عدم برنامه ویی تفاوتی رهبران جهانی و منطقه‌ای فرصت مناسبی جهت توسعه تروریسم در منطقه فراهم کرده است. بی‌گمان عدم اتخاذ استراتژی واحد برای مهار داعش در آینده‌ای نه‌چندان دور موجب بروز بحران‌هایی فراگیر در منطقه و جهان خواهد شد. یکی دیگر از دلایل پیدایش داعش خروج آمریکا از کشور عراق، بی‌توجهی دولت مرکزی به مناطق سنی نشین عراق و شکست اهل سنت در انتخابات مجلس عراق بوده است. خلا قدرت مرکزی، چالش‌های امنیتی و قدرت‌های خارجی راهم می‌توان از دیگر عوامل مهم پیدایش داعش دانست.

هیچ‌گونه ادله نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند، ایجاد و رشد فوق‌العاده سریع و تأثیر کلان گروه‌های تندرو که با جدیت و تخصص عاریه‌ای و بی‌نظیر قادرند در زمان اندکی ظهور و در زمانی کوتاه تر بخش‌های قابل توجهی از کشورهای بحران‌زده را در کنترل خود بگیرند، مقابل ارتش و نیروهای کمکی بین‌المللی ایستادگی کنند، مردم را به جوخه‌های مرگ بسپارند و در هنگام عقب‌نشینی یا تخلیه شهرها، توده‌ای خاک و تپه از شهرهایی که در اشغال خود داشتند، بجا بگذارند را انکار کنند، در نتیجه تنها توجیه امکان‌پذیر آمدن این گروه‌ها این است که ایالات متحده با استفاده از نیاز مردان جنگ‌زده به معیشت و از اعتقادات دینی آنها به واسطه درد

ناشی از جنگ و زخم جنگ که بر تن سربازان و شورشیان بومی است با پول دول غربی آنها را گرد هم آورده تا سپس با کمک متخصصین نظامی و عوامل جاسوسی، تحت دقیق‌ترین آموزش‌های نظامی جنگ‌های منظم یا نامنظم قرار گیرند و با پشتیبانی لجستیکی کارا و تامین هر آنچه یک جنگ تمام‌عیار رعدآسا^۱ طلب می‌نماید قادر گردند به تسخیر شهرها و کنترل منابع و گردنه‌های اقتصادی کشورهای مذکور اعم از عراق، افغانستان، سوریه، لیبی و یمن پردازند و دقیقاً کاری را انجام دهند که زمینه‌ساز جنگ‌های ویرانگر داخلی و سپس سبب‌ساز حضور بلندمدت و نفوذ دول غربی در منطقه و بسترساز عقد قراردادهای بلندمدت بین شرکت‌های غربی و دولت‌های مرکزی این کشورهای ویران‌شده باشند. (کریمی، حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱-۳۰)

مزیت دیگر ویرانی صنایع و خصوصاً صنعت نفت کشورهای یادشده برای دولت ایالات متحده آمریکا پس از بروز اغتشاش و ویرانی‌ها، قابل محاسبه بودن تولید و پالایش نفت است، در این صورت ایالات متحده می‌تواند روی چاه‌های نفتی این کشورها

مانند میزان ذخایر نفتی خود محاسبه نماید و ریز برگ خریدهایی که به‌عنوان عوامل کنترل‌کننده قیمت نفت در سطح بین‌المللی مانع تسلط ایالات متحده بر منابع تولید انرژی است که صنایع آن را بسیار وابسته به خود نگاه داشته است، از پیش روی بردارد و آن را در کنترل خود داشته باشد.

با وجود اسلامی بودن اکثر گروه‌های تندرو به‌ویژه داعش، همیشه منابع و ذخایر کشورهای اسلامی را نابود کرده‌اند و هرگز تهدید لفظی یا عملی از سوی این گروه‌ها بر علیه حاکمیت اسرائیل صورت نپذیرفته است (احمدی، ۱۳۹۶) که این خود از علل وجودی پیدایش، تجهیز و پشتیبانی از عملیات داعش در منطقه تا مرحله تسلط آن‌ها به شهرها و چاه‌های نفتی یعنی مرحله استقلال و استحکام پایگاه‌های داعش از سوی آمریکا را بیان می‌کند.

ادعای خروج داعش از کنترل غرب و قدرت‌های جهانی نیز به‌نوبه خود بی‌اساس است. در شرایطی که بانک‌ها و نظام مالی غرب می‌تواند نحوه مبادله اسکناس‌های خود در هر جای جهان را ردگیری نماید و از انجام عملیات مالی خارج از چهارچوب قوانین پول‌شویی مطلع گردند و حتی رد دادوستد قطعات و ورود ماشین‌آلات محتوی بسته‌هایی که به آدرس کشورهای ثالث برای ارسال به ایران در دوران تحریم بارگیری شده‌اند را دنبال نماید، به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست که

1. Full blown war

نتوانند از وجود محوله‌های نفتی، فروش و بارگیری و انتقال این محوله‌ها از مناطق تحت کنترل داعش یا هر هم‌پیمان داعش مطلع گردند و قادر نباشند نسبت به توقف و مصادره این محوله‌ها اقدام کنند و از همه مهم‌تر قادر نباشند حجم عظیم مبادلات نقد داعش را رصد و از انجام تشریفات خرید تسلیحات، مهمات و از تمام منابع حیاتی داعش ناتوان باشند، مگر آنکه داعش مجاز به انجام عملیات و دائماً در حال هدایت بوده باشد. تجسم دورماندن ارتباطات داعش از توان نظارتی ایالات متحده و دست‌نیافتن به محتوی تماس داعش بانبروهای بالقوه در غرب غیرممکن می‌باشد. (www.english-news)

شکست‌ها و ناکامی‌های گروه‌های تروریستی داعش، در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، سبب شده است که حامیان بین‌المللی داعش و سایر گروه‌های همسو با مبانی عملی و نظری آنها، در اندیشه گشودن حوزه‌های جغرافیایی دیگری در سطح منطقه، برای استمرار بقا و فعالیت‌های این گروه باشند، افغانستان یکی از گزینه‌های مهمی است که برای این جابجایی راهبردی در نظر گرفته شده است.

داعش به‌طور جدی از اوایل سال ۲۰۱۵ م فعالیت خود را در افغانستان به‌عنوان آخرین مقصد خود علنی و آشکار کرد. توانست در مدتی کوتاه، فعالیت‌های درخور توجهی انجام داده و خود را به‌عنوان گروهی بانگیزه، دارای توان لجستیکی نظامی و با منابع مالی قابل توجه معرفی کند (عالیشاهی، تاجیک، ۱۳۹۶، ۱۷۳-۱۹۵) که این خود از طرح‌های از پیش طراحی شده آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای اش بود. همان‌طور که روسیه مدعی شد که آمریکا نیروهای خود و داعش را از سوریه و عراق به افغانستان منتقل کرده است. (قربانی، ۱۳۹۴)

قدرتمند شدن داعش در افغانستان و آینده این گروه تا اندازه زیاد بستگی به عملکرد کشورهای مختلف دارد. بدون اقدامات مشترک نه تنها گروه داعش تضعیف نمی‌گردد، بلکه امکان گسترش حوزه نفوذ این گروه زیاد خواهد شد. یکی از مهمترین عوامل گسترش داعش در عراق و سوریه، سوءاستفاده از اختلافات مذهبی بود، اما در افغانستان نزاع مذهبی آن‌گونه که در سوریه و عراق مشهود است، وجود ندارد. لذا داعش نمی‌تواند در افغانستان آن‌گونه که در سوریه و عراق عمل کرد، رشد کند. (نادری، ۱۳۹۶) به عقیده رهبر جمهوری اسلامی ایران، سیاست آمریکا در منطقه این

است که اولاً منطقه روی آرامش نبیند تا ملت‌ها به فکر مبارزه با صهیونیسم نیافتند، ثانیاً آمریکا با انتقال داعش به افغانستان بتواند حضور خود را در منطقه توجیه کند. (مقام معظم رهبری)

هیچ کشوری اقدامات جدی در مبارزه با داعش در افغانستان انجام نداده است، باین حال نقطه قوت برای همکاری‌های منطقه با محوریت چین وجود دارد. چین با قدرت اقتصادی که دارد قادر به نزدیک کردن کشورهای منطقه می‌باشد. (Hanauer, 2016) که همکاری کشورهای منطقه می‌تواند معضل داعش را خنثی کند و یا از ظهور مجدد آن در منطقه غرب آسیا جلوگیری کند.

از دلایل مهم شکست داعش در عراق و تا حدودی در سوریه می‌توان به کاهش حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، حمایت‌های نظامی فرا منطقه‌ای برای مبارزه با داعش، وحدت ملی و کاهش اختلافات سیاسی، محور مقاومت، انزوای بین‌المللی، ضعف نظامی، اختلاف‌های درونی و انحراف جنون‌آمیز داعش از مذهب را اشاره کرد. اگر حرکت جدی محور مقاومت نبود، عوامل دیگر به‌تنهایی توان مقابله با سازمانی همچون داعش را نداشتند. محور مقاومت از یک‌سو با توانایی بسیج بی‌سابقه و گسترده نیرو و از سوی دیگر مدیریت فوق‌العاده سیاسی نظامی این نیروها که عمدتاً توسط قلب محور مقاومت یعنی ایران صورت می‌گرفت، توانست هم‌زمان در چندین محور به‌طور پیوسته علیه داعش و سایر گروه‌های تروریستی حاضر در عراق و سوریه پیشروی کرده و مناطق عمده را باز پس گیرد و داعش را شکست دهد. اگر داعش متوقف نمی‌شد فرهنگ داعش در دنیا گسترش پیدا می‌کرد و فرهنگ اسلام به‌وسیله داعش به سمت وحشی‌گری سوق داده می‌شد.

رهبری ایران در ایستادگی و مقاومت در منطقه، نابود کردن توطئه دشمن و هم‌چنین پیروزی بر داعش نقش به‌سزایی داشت. (مرادی، ۱۳۹۶) در این راستا حمایت مراجع عراق همچون آیت‌الله سیستانی باعث شد که مقاومت تبدیل به یک سازمان قدرتمند جهانی برای مقابله با تروریسم شود. این شیوه می‌تواند یک الگوی جهانی برای مقابله با تهدیدات و تروریسم در جهان باشد.

نتیجه‌گیری

پدیده داعش یکی از سیاست‌های جدید دنیای استکبار بود. ماهیت اقدامات داعش به سبک جنگ‌های نیابتی شکل گرفت. داعش و گروه‌های مرتبط با داعش سعی می‌کردند جنگ‌های خود را به‌طرف مرزهای ایران بکشانند و امنیت مرزهای ایران را دچار خطر و اختلال کنند. اگر حرکت این گروه متوقف نمی‌شد، مسلماً فجایع زیادی در غرب آسیا به بار می‌آورد.

افزایش خشونت و درگیری های طایفه ای و مذهبی در غرب آسیا با افزایش فعالیت جریان های سلفی و نوسلفی در غرب آسیا همراه بود. این موضوع در تحولات سوریه و عراق رل مهمی را بازی کرد. اگرچه طرح های تجزیه منطقه و تبدیل آن به کشورهای ضعیفی که قادر به مقاومت [در برابر اسرائیل و آمریکا] نباشند، شکست خورده است؛ اما محور آمریکایی که امروز دچار شکست شده است، قطعاً دست از تلاش برنخواهند داشت و از طریق ابزارهای دیگری، اقدام خواهد کرد و زمینه را برای نبردهای تازه (هرچند متفاوت) فراهم خواهد کرد. همان طور که یک منبع میدانی بلندپایه و آگاه از فعالیت گروه تروریستی «داعش» به تازگی فاش کرد که این گروه از نیروهای آمریکایی در منطقه التنف در مثلث مرزی سوریه، عراق و اردن، در شرق حومه استان حمص، که ارتش آمریکا در آن جا تدارکات لجستیکی و نظامی را مستقر کرده، حمایت زیادی دریافت می کند. این منبع آگاه گفته است که حمایت آمریکا از سازمان های تروریستی از طریق خطوط تدارکاتی به مناطق «رقه» و «حمه» می رسد. پیش تر دادستانی نظامی سوریه حمایت آمریکا از داعش را ثابت شده دانست و تأکید کرد حضور غیرقانونی آمریکا در خاک سوریه، نقض منشور سازمان ملل است. یکی از راهکارهای جلوگیری از حضور غیر قانونی آمریکا در منطقه این است که کشورهای منطقه متحد شده و به درک مشترک از تهدید دست یابند و امنیت خود را در امنیت دیگران جستجو کنند تا محیط امنیتی غرب آسیا حفظ شود.

با توجه به اینکه با شورش مخالفین تندرو قذافی در لیبی، مخالفان افراطی بشار اسد در سوریه، عصیان داعش در عراق و جنگ داخلی یمن عملاً بخش اعظم این کشورها تخریب، راه ها و سیستم حمل و نقل ویران، شهرها با خاک یکسان و صنایع کشاورزی و دام داری در این کشورها نابود شده است، به طور مشخص و واضح هر یک از این کشورها برای بازسازی خود نیازمند تامین صدها میلیارد دلار بودجه هستند و در واقع برای آباد کردن ویرانه های عظیم جنگ تا نسل ها بعد باید بدهکار سرمایه گذاران خارجی شوند. این امر خود یک نوع وابستگی کشورهای جنگ زده به کشورهای پیشرفته به ویژه آمریکا می باشد و بهترین راهکار برای عدم وابستگی این کشورها به کشورهای پیشرفته این است که از آنجایی که نقش مدیریت در اغلب زمینه های کاری، بسیار تعیین کننده است، وجود مدیران حرفه ای و کارآمد در این کشورها می تواند به طور چشمگیری در رشد اقتصادی و اصلاحات اساسی موثر باشد. این کشورها باید با استفاده از مدیریت صحیح و

استفاده بهینه از نیروهای زبده، حرفه‌ای و توانمند داخلی در ایجاد سیستم‌های کارآمد در این راستا استفاده کنند. از داشته‌ها و ظرفیت‌های فراوان کشور خود و کشورهای همسایه به درستی بهره‌مند شوند و اگر هدف ما دستیابی به مسیر رشد و توسعه در یک کشور تخریب‌شده از جنگ است، باید به عامل نیروی انسانی متخصص داخلی بعنوان عاملی بسیار ارزشمند و اثربخش توجه ویژه داشته باشیم و همچنین از منابع انسانی، طبیعی و درآمدی کشور به صورت بهینه بهره‌مند شویم.

امروزه تروریسم سایبری به یکی از چالش‌های دنیا تبدیل شده است داعش برای پیشبرد اهداف تروریستی خود در راستای انجام حرکات تروریستی سنتی از ظرفیت‌های فضای سایبری هم بهره می‌برد بدین صورت که هم برای خود تبلیغ می‌کند و هم آموزش ساخت بمب و عملیات‌های انتحاری را از طریق فضای مجازی مدیریت می‌کند. اگر ایالات متحده دائماً در حال رصد اطلاعات و از انجام اقدامات داعش مطلع بوده ولی اقدامات لازم را انجام نداده است، این به معنی همدستی ایالات متحده و داعش می‌باشد و اگر پذیرفته شود که آمریکا قادر به رصد ارتباطات داعش نبوده است این ناتوانی، وجود تسلط آمریکا بر امنیت سایبری و حجم عظیم هزینه‌های دولت ایالات متحده برای کنترل فضای سایبری و ایجاد امنیت را زیر سؤال می‌برد که این استدلال نیز با توجه به عقیم ماندن بسیاری از عملیات طالبان بر علیه منافع ایالات متحده در داخل خاک آمریکا و خارج از مرزهای آن را بلا توجه می‌نماید که البته این فرض از اساس غیرقابل قبول است، اگر آمریکا همدست داعش نبوده و به طور قطعی از این گروه تروریستی حمایت نمی‌کرد، به راحتی می‌توانست به فضای سایبری داعش با استفاده از زیر ساخت‌ها نفوذ کرده از سدهای امنیتی این زیر ساخت‌ها عبور و کدهای امنیتی آنها را هک کند و در عرض چند ثانیه از تمام اطلاعات داعش مطلع شده و اقدامات تروریستی آنها را خنثی کند. در نتیجه آنچه مهم است قبول مجاز بودن فعالیت داعش و اقدامات این گروه برای یارگیری و حمایت اولیه ایالات متحده از داعش، در دوران فعالیت این گروه است. به طور کلی بهترین راه کار مقابله با تروریسم سایبری؛ آموزش، ساز و کار حقوقی و تقویت دفاعی می‌باشد و همچنین؛ افزایش سطح آگاهی‌ها، دانش عموم مردم و مقامات پلیسی و امنیتی در رابطه با استفاده از رایانه‌ها می‌باشد.

وضعیت بحرانی منطقه غرب آسیا خصوصاً در سوریه، عراق و یمن، حاکی از واقعیت تلخی است که در قالب «جنگ نیابتی» اقدامات قدرتهای جهانی و برخی رژیمهای عربی علیه جمهوری

اسلامی ایران بود. این نبردهای نیابتی با ارسال تروریست از ۸۰ کشور جهان به سوریه وارد فاز تازه ای شد و با ظهور پدیده‌های به نام داعش و جبهه النصره و همچنین با تجاوز نظامی عربستان به یمن به اوج خود رسید. جنگ اگرچه در ابتدا به لحاظ اختلافات مرزی یا زورگویی هیات حاکمه یا تبعیض و بهره‌برداری گروه‌های قدرت یا به هر دلیل دیگری در سطح ملی یا فرا ملی شکل می‌گیرد، ولی پس از وقوع، عوارضی به همراه دارد که ناشی از شکستن خطوط امنیت و از بین بردن خط فرضی تعادل سیاسی و اقتصادی بین کشورهای دارای منافع در منطقه‌ای که در حال جنگ است، در نتیجه اگرچه در ظاهر جنگ نوعی درگیری محسوب می‌شود، ولی در واقع جنبه‌ی اقتصادی و سیاسی فرای درک عامه از مناقشات بین‌المللی را به همراه دارد و یکی از عوارض آن صرف نظر از محل وقوع جنگ شکل‌گیری گروه‌های تندرو سیاسی است که پس از ظهور به‌طور غیرقابل وصفی ممکن است قدرتمند و مشهور شوند و پس از مدتی از بین روند، اگرچه ریشه‌های افکار آنها هرگز خشکیده نمی‌شود تا جنگی دیگر و اغتشاش دیگر درجایی دیگر از جهان رخ دهد تا دوباره تحت تأثیر افکار غرب با ایدئولوژی به‌ظاهر اسلامی در قالب گروهی تندرو شکل گیرند، رشد یابند، ویران کنند و جای پای دولت‌های کشورهای دیگر را محکم کنند.

از مهم ترین راه کارها برای جلوگیری از بحران در غرب آسیا عبارتند از:

- ۱- گسترش و تعمیق وحدت و یکپارچگی ملی جهت مقابله با انواع تهدیدات خارجی
- ۲- گسترش همگرایی منطقه‌ای در حوزه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی با تاکید بر حسن همجواری و احترام به حاکمیت کشورها
- ۳- تلاش برای مقابله با تهدیدات و چالش های منطقه ای از طریق اقدام دسته جمعی و مشارکت همه کشورها

امروزه نمی‌توان مسائل و مشکلات منطقه غرب آسیا، از جمله معضل رشد و گسترش تروریسم را تنها در چهارچوب منطقه‌ای حل و فصل کرد، بلکه همه معتقدان به مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در جهان باید برای مهار این پدیده شوم و خطرناک با یکدیگر یاری و همکاری نمایند و قبل از مبارزه با گروه‌های تندرو، ریشه‌های شکل‌گیری آنان را شناسایی و از رشد آنان جلوگیری کنند.

فهرست منابع

- رضایی، مهدی (تابستان ۱۳۹۶) بررسی پیامدهای امنیتی منطقه ای دولت های شکننده ، بررسی موردی عراق ، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست دفاعی ، شماره ۹۹، صفحه ۱۵۳-۱۸۹
- محمدی، حمیدرضا، غنچی، محمد (بهار ۱۳۸۵) چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تاکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)، فصلنامه بین المللی ژئوپولیتیک، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۹۰-۱۲۱
- اسکندری، عبدالمجید، ۴ خرداد (جوزا) ۱۳۹۵، افغانستان جنگ - صلح و سیاست ابقای طالبان ، افغانستان و جنگ تریاک ، خراسان زمین www.khorasanzameen.net
- توکلی، سعید (تابستان ۱۳۹۳) القاعده ، داعش؛ افتراقات و تشابهات ، آفاق امنیت ، سال هفتم ، شماره ۲۳، صفحه ۱۵۱-۱۹۵
- حافظ نیا، محمد رضا ، ۱۳۹۴/۹/۱۵ ، همایش تحلیل ژئوپولیتکی پیدایش و رشد داعش و استراتژی مقابل با آن ، دانشگاه تربیت مدرس
- حافظ نیا، محمد رضا ، ۱۳۸۰، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک ، انتشارات پاپلی، صفحه ۱۴۲
- حافظ نیا، محمد رضا ، ۱۳۹۴/۹/۱۵ ، همایش تحلیل ژئوپولیتکی پیدایش و رشد داعش و استراتژی مقابل با آن ، دانشگاه تربیت مدرس
- زارغان، احمد (تابستان ۱۳۹۳)، زمینه های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم ، شماره ۲۳، صفحه ۶۷-۹۶
- کوزه گر خالقی ، وحید (۲۹ بهمن ۱۳۸۱)، روابط ایران و روسیه: چالش ها و فرصت ها در مصاحبه با دکتر غنچه تضمینی، (پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات و تحقیقات بین تمدن ها در لیسبون مرکز بین المللی مطالعات صلح (LSRI)
- صالحی ، سیدجواد ، مرادی نیاز، فاتح (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی، دو فصلنامه سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۸، صفحه ۸۵-۱۱۰
- حیدری ، حجت الله، پیشگاهی فرد ، زهرا، عزتی، عزت الله (زمستان ۱۳۹۶)، تحلیل روحانی، محمدحسین، باقری، حسین ، سادات طوسی، سید علی (زمستان ۱۳۹۶) روش های آمریکا در راه اندازی، حمایت تروریسم غرب آسیا و پیشنهاد های راهبردی مقابله با آن، سیاست دفاعی ، سال ۲۶، شماره ۱۰۱، صفحه ۱۷۹-۲۰۷
- اکبری ، حمیدرضا (بهار ۱۳۹۵) ، چگونگی نقش آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، شماره اول صفحه ۱-۲۶
- قیاسوندی، فاطمه، ترکاشوند، جلال (زمستان ۱۳۹۶) آمریکا ، جنگ های نیابتی و امنیت خاورمیانه ، فصلنامه پژوهش های سیاست جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، صفحه ۱۶۷-۲۰۵

- سهرابی، محمد (تابستان ۱۳۹۶)، تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صفحه ۲۷-۵۵
- روحانی، محمد حسین، باقری، حسین، سادات طوسی، سید علی (زمستان ۱۳۹۶)، روش های آمریکا در راه اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا و پیشنهاد های راهبردی مقابله با آن، مجله علمی پژوهشی سیاست دفاعی، شماره ۱۰۱، صفحه ۱۷۹-۲۰۷
- معین الدینی، جواد، (پائیز و زمستان ۱۳۸۶)، طرح خاورمیانه بزرگ: الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه ای، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷، صفحه ۶۱-۷۸
- رضا زاده، میثم، نجفی، سجاد، (تابستان ۱۳۹۵) جایگاه سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، مجله علمی-پژوهشی سیاست دفاعی، شماره ۹۵، صفحه ۱۴۵-۱۹۰
- ساسانیان، سعید، حاجیانی، ابراهیم (زمستان ۱۳۹۶)، راهبردهای ایران در رویارویی با راهبردهای مداخله جویانه قومی عربستان، مجله علمی-پژوهشی سیاست دفاعی، شماره ۱۰۱، صفحه ۴۵-۷۵
- مجیدی، حسن (بهار ۱۳۹۱) از جنبش تانهاد، بازخیزی جنبش های خاورمیانه، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره اول صفحه ۳۵-۵۴
- نساج، حمید، نظری، مینا، پوررنجبر، مهدیه (تابستان ۱۳۹۴) شناسایی و تامین منابع مالی داعش، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، دوره ۴، شماره ۱۱، صفحه ۳۷-۵۵
- ناوشکی، حسین، احمدیان، قدرت (زمستان ۱۳۹۴)، عوامل قدرت یابی داعش در عراق، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۸، شماره ۷۲، صفحه ۴۳-۶۷
- کسرایی، محمد سالار، داوری مقدم، سعیده (بهار ۱۳۹۴) برآمدن داعش در اورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول، صفحه ۱۹۱-۲۱۶
- علی پور، عباس، حیدری، جهانگیر، فعلی، امین (تابستان ۱۳۹۳) عوامل درونی و بیرونی موثر بر گسترش جریان های تکفیری در جنوب غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳، صفحه ۱۹۷-۲۲۷
- مطلبی جوقانی، محسن، مرادخانی، حسن، ساوه درودی، مصطفی (پاییز ۱۳۹۵) بسترهای شکل گیری افراطی گری در پاکستان مبتنی بر رهیافت گفتمان، مجله علمی پژوهشی سیاست دفاعی، شماره ۹۶، صفحه ۹-۳۹
- دارا، جلیل، خاکی، محسن (پاییز ۱۳۹۷)، تحلیل اقدامات ژئوپلیتیکی داعش بر اساس مدل مفهومی والرشتابین - تیلور، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صفحه ۱۹۰-۲۱۹
- طارمی، کامران (تابستان ۱۳۹۴) تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۱۷۱-۲۱۴
- کریمی، سحر (تابستان ۱۳۹۶)، نحوه چگونگی و شکل گیری گروه های تروریستی (بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صفحه ۴۵-۸۳

- شارع ، نعیم(مهر ۱۳۹۴)، شاخص های جهانی تروریسم ۲۰۱۵، موسسه اقتصاد و صلح -
<https://donya-e-egtesad.com>
 رستمی ، فرزاد (زمستان ۱۳۹۵) تحول در ماهیت جنگ های آینده ، جمهوری اسلامی ایران ؛ سناریوها ، فرصت ها
 و چالش ها ، مجله علمی - پژوهشی سیاست دفاعی ، شماره ۹۷، صفحه ۱۴۵-۱۹۰
 امینیان ، بهادر (تابستان ۱۳۹۶) به کارگیری زور به عنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا، معضل فراروی
 ترامپ، سیاست دفاعی، دوره ۲۵، شماره ۹۹، صفحه ۱۹۱-۲۲۲
 رضایی ، رضا ، موسوی ، سید صدرالدین (پاییز و زمستان ۱۳۹۶) ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه ای :
 مطالعه موردی چالش ها و فرصت های به وجود آمده برای ایران ، دو فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان
 اسلام ، دوره ۵ ، شماره ۱۱ ، صفحه ۱۴۹-۱۷۴
 کریمی ، مهدی ، حافظ نیا ، محمدرضا(پاییز ۱۳۹۷) ، تبیین نقش دولت محلی در صلح سازی ، فصلنامه بین
 المللی ژئوپولیتیک، سال ۱۴، شماره سوم ، صفحه ۱-۳۰
 احمدی، مسعود (۲۲ دی ۱۳۹۶)، کنترل مرزهای چین برای ورود داعش و عناصر داعش، روزنامه جمهوری اسلامی
 ایران www.irna.ir
 عالیشاهی، عبدالرضا، تاجیک، هادی ، فروزان، یونس (بهار ۱۳۹۶) بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی -
 تکفیری داعش در افغانستان بر اساس تئوری دومینوی ویلیام بولیت ، فصلنامه بین المللی ژئوپولیتیک، دوره
 ۱۳ ، شماره ۴۵، صفحه ۱۷۳-۱۹۵
 قربانی، فهیمه (۱۳۹۴ خرداد) نقش تئوری در پیشبرد پژوهش های علوم سیاسی و روابط بین الملل - پژوهش
 های بین الملل
 نادری ، پرتو (۱۹ خرداد(جوزا) ۱۳۹۶)، داعش و آینده افغانستان ، خراسان زمین www.khorasanzameen.net
 خامنه ای - سید علی [مقام معظم رهبری] www.Khamenei.ir
 مرادی ، محمدرضا (۱۳۹۶/۹/۷) واکاوی نقش ایران در شکست داعش ، فارس نیوز
<https://www.farsnews.com/news/13960906000840>
 Smit,J(Oct 2017)where ISIS gained thir weapons,The famous US Foreign Policy
 Magazine,p9-15
 Khani,MH,Geopolitics of Regionalism; Moving towards Regional Integration as a Means for
 Lasting Peace and Stability in the Middle East ,Geopolitics Quartery , Vol:13,No:4
 ,Winter 2018 , p.p 280-293
 Salahshour,MH(2015)The terrorist group ISIS isthe puppet of imperialism,International
 Conference in Spain
 Bugart,LP(26 Apr2017)The financials support of Saudi Arabia of ISIS, The Washington
 Institute for Near East Policy(WINEP), p.p26-29
 Right,RV(1Jun2015)World of industry Newspaper
<http://www.welt.de/english-news/article2806537/German-spy-affair-might-have-beenrevenge.html>
 Hanauer,L(2016),Israel's interests and Options in Syria , Rand Corporation, Translated in the
 Presidential Strategic Studies Center

